

نشریه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)
سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۸۶-۱۵۹

درنگی در آثار و منابع مولوی پژوهی در جهان عرب

نرگس گنجی* - فاطمه اشراقی**

چکیده

ادب کهن پارسی و به ویژه شعر عرفانی، مشتمل بر دو ویژگی انسانی عشق به جمال و تأمل در ژرفای انسان و جهان است و این دو ویژگی، توجه ادب‌پژوهان و مترجمان جهان را به آثار شاعران عارف از جمله جلال‌الدین مولوی معطوف کرده است. فواید آشنایی پژوهشگران ایرانی با آنچه در زبان‌ها و ملت‌های دیگر در زمینه ترجمه و پژوهش ادبیات فارسی می‌گذرد، روشن است؛ چه این آگاهی به ما امکان می‌دهد که زبان و فرهنگ خود را از منظر دیگران ببینیم و بر کمال و نقص آن واقف‌تر آییم.

نوشتار حاضر، پژوهشی توصیفی با هدف شناسایی نسبتاً کامل آثار و تألیفات مولوی‌پژوهان در جهان عرب است که به شیوه‌ای نظام‌مند به بررسی ترجمه‌ها، تألیف‌ها و پژوهش‌های منتشر شده در قالب کتاب و مقاله - با توجه به سیر زمانی و نوع آثار - می‌پردازد تا نشان دهد که این کوشش‌ها از آغاز تاکنون چه مراحل را پشت سر نهاده، به چه جنبه‌هایی از شخصیت و آثار مولوی بیشتر توجه کرده و با چه محدودیت‌هایی روبرو بوده است.

* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان (نویسندهٔ مسؤول) nargesganji@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان f.ishraqi@yahoo.com

نتایج پژوهش، بیانگر شیفتگی دیرین عربی‌زبانان به آثار مولانا به ویژه داستان‌های منظوم مثنوی و وسعت اهتمام آنان به این کتاب است. سیر کلی آثار مولوی پژوهان عرب نیز از فزونی ترجمه‌ها و پژوهش‌های آنان در دو دهه اخیر حکایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی

مولوی پژوهی، مولوی پژوهان عرب، برگردان عربی آثار مولوی، مأخذشناسی

۱- درآمد

قرن‌ها از نخستین کوشش‌های فرهیختگان جهان عرب برای شناختن و شناساندن نواغ ادبیات کهن فارسی به ملت‌های هم‌زبانان می‌گذرد. در آغاز، شاهنامه فردوسی، رباعیات خیام و آثار سعدی و حافظ، سپس آثار ادیبان نامدار دیگری از قرون پنجم تا هفتم هجری همچون ناصر خسرو، عطار و مولوی، همت مترجمان و فارسی‌پژوهان عربی‌زبان را برانگیخت. داستان‌های منظوم عرفانی در مثنوی مولوی و نیز در آثار عطار و نظامی پدیده‌ای دلاویز برای آنان است زیرا داستان منظوم عرفانی را هنر ایرانیان می‌دانند و خود را بدان نیازمند می‌یابند؛ این داستان‌ها حال و هوایی متفاوت از آثار غامض و سنگین عارفان عرب همچون ابن‌فارض و ابن‌عربی دارد و آشکارا به ساده‌سازی و تعمیم آموزه‌های عرفانی می‌پردازد از این رو طبیعی است که توجه مترجمان و ادب‌پژوهان عرب را به خود جلب کند.

نوشتار حاضر، پژوهشی است توصیفی که با هدف شناسایی نسبتاً کاملی از آثار و تألیفات مولوی‌پژوهان در جهان عرب، به شیوه‌ای نظام‌مند به بررسی تألیفات و پژوهش‌های منتشرشده - با توجه به سیر زمانی و نوع آثار - می‌پردازد. این آثار به دو دسته کلی کتاب و مقاله تقسیم شده‌اند و کتاب‌ها در سه گروه جای گرفته‌اند: ترجمه‌ها و شروح آثار مولوی، پژوهش در زندگی و اندیشه‌های وی و آثاری که ضمن معرفی ادب کهن پارسی و یا تصوف‌پژوهی به طور جنبی به مولوی پرداخته‌اند.

۲- چرایی رویکرد عرب‌ها به مولوی

جلال‌الدین محمد بلخی (۶۷۲-۶۰۴ هـ) که در میان فارسی‌زبانان به «مولوی» و «مولانا» و در میان

عرب ها و غربیان به «رومی» مشهور شده است، اندیشمند، شاعر و عارفی است که به سبب ویژگی های استثنایی و تکرارناپذیر در زندگی و آثارش، در سراسر جهان شیفتگانی دارد که به خواندن، شرح، تفسیر، ترجمه و پژوهش در آثارش روی آورده و می آورند. دانش گسترده و زبان شعری سرکش، تأثیرگذار و هنجارگریز وی از یک سو و رابطه عمیق و پرابهام او با شمس الدین تبریزی، اندیشه ها و عواطف بسیاری از فرهیختگان جهان را در شرق و غرب به سویس گسیل داشته و جهان عرب نیز فارغ از این ماجرا نمانده است.

عشق در اندیشه مولوی سخت نشاط انگیز، حیات بخش و طرب آفرین است؛ مرگ آغاز حیاتی برین و خدای مرگ و حیات، محبوبی نازنین است: *الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ* (ملک، ۲). پیداست که چنین اندیشه هایی آن هم هنگامی که در قالب داستان هایی نمادین یا غزل و رباعیات جوشان و روان ریخته شود، برای عربی زبانان که خود و مولوی را فرزندان تمدن مشترک اسلامی می دانند، تا چه مایه شورآفرین خواهد بود. افزون بر این، تکیه این شاعر بر داستان سرایی در شش دفتر مثنوی اش در برابر ادب فاخر عربی پدیده ای ناشناخته و شگفت انگیز محسوب می شود؛ از این رو بیشتر کوشش فرزندان زبان ضاد، صرف مثنوی - این گستره شگفت آور نبوغ شعری مولوی - و ترجمه آن شده است.

۳ - پرسش های پژوهش

- ویژگی اساسی ترجمه ها و پژوهش های عربی در زمینه مولوی شناسی چیست و بیشتر به چه بخش هایی از آثار و اندیشه های مولوی توجه و اهتمام داشته است؟
- ترجمه های عربی آثار مولوی و پژوهش های مولوی شناسان عرب از نظر سیر زمانی چه مراحل را طی کرده است؟

۴ - اهمیت و ارزش تحقیق

این پژوهش افزون بر مآخذشناسی توصیفی منابع معاصر عربی درباره جلال الدین محمد مولوی، به مخاطبان یاری می رساند تا انعکاس شخصیت و آثار وی را در آثار ملت های عرب بنگرند و این امر

می‌تواند برای پژوهش‌های داخل کشور در این باب مفید افتد و زمینه را برای تعامل ادب‌پژوهان دو زبان فراهم آورد. فراموش نباید کرد که فرهیختگان عرب بی‌شک در ترجمه و پژوهش آثار گران‌سنگ ادب فارسی، با دشواری‌ها و چالش‌هایی روبرو هستند و برای شناخت و ترویج ادب فارسی به یاری فارسی‌زبانان نیازمندند.

۵ - کتاب های مولوی پژوهی

کتاب‌های عربی مولوی‌پژوهان را می‌توان به سه دسته ترجمه آثار و معرفی سیره، افکار و آثار مولوی و مولوی‌شناسی اجمالی ضمن پرداختن به ادب فارسی قدیم یا معرفی نحله‌های عرفا تقسیم کرد:

۱ - ۵ - ترجمه آثار مولانا جلال‌الدین بلخی

ادب‌دوستان و پژوهشگران عرب نخستین بار در سال ۱۸۷۲م با «مثنوی معنوی» آشنا شدند. این آشنایی با انتشار کتاب «المنهج القوی لطلاب الشریف المثنوی» توسط یوسف بن احمد القونوی المولوی الرومی، ترک‌نژاد عربی‌دان و شیخ خانقاه بشکاتاش استانبول مشهور به «زهدی» (۱۸۷۷م/۱۲۳۲ق) صورت پذیرفت. این کتاب که برگردان و شرح شش دفتر مثنوی معنوی است، در چاپخانه بولاق قاهره به طبع رسیده است. به نظر برخی از پژوهشگران با وجود سستی‌هایی که این اثر در برگردان مثنوی دارد (الرومی، ۱۹۶۶: ۶۱) همچنان یکی از بهترین شروح مثنوی محسوب می‌شود (صاحب‌الجواهر، ۱۹۵۸: ۱۴۸).

با این حال، کتاب «المنهج القوی» نتوانست آنگونه که باید بر ادبیات عرب تأثیر نهاد و راه را برای پژوهشگران بعد از خود فراهم آورد تا اینکه در اواخر نیمه اول قرن بیستم، با رویکرد آشکار پژوهشگران عرب به فرهنگ و ادب ایران، فصل نوینی از آشنایی جدی عرب‌زبانان با مولانا و اندیشه‌های وی آغاز شد که بی‌گمان ادب و فرهنگ عربی این آشنایی را بیش از پیش مدیون عبدالوهاب عزام (۱۸۹۴-۱۹۵۹ م) است.

عزام در سال ۱۹۴۶م کتابی تحت عنوان «فصول من المثنوی» در ۱۹۹ صفحه از سوی «لجنة التألیف و الترجمة و النشر» در قاهره منتشر ساخت و در آن بخش‌هایی از مثنوی معنوی را به عربی ترجمه کرد که می‌توان به «قصه التاجر و البغاء» و «قصه الأسد و الوحوش» اشاره کرد. از ویژگی‌های

این کتاب آن است که وی آن دسته از مقالات خود را که به نوعی با موضوع در ارتباط است، در کتاب خود گنجانده است.

تحقیقات عزام، الهام بخش بسیاری از مولوی پژوهان در سال‌های بعد شد تا آن جا که بسیاری از ایشان خود را وامدار پژوهش‌های وی می‌دانند و پژوهش‌های مولوی شناسانه‌اش را نخستین اقدام جدی در این زمینه محسوب می‌کنند (طلعت، ۱۹۷۵: ۲۰۴). درباره مقالات این اندیشمند در بخش‌های دیگر این نوشتار سخن گفته خواهد شد.

دومین ترجمه کامل از مثنوی، حاصل کوشش عبدالعزیز صاحب الجواهر یا جواهری، از نوادگان شیخ محمدحسن صاحب الجواهر و برادر محمدمهدی جواهری شاعر شهیر عراق بوده است. وی که از اوان جوانی شیفته مولانا و آثارش بود به ایران آمد و پس از اقامت در کرمانشاه، شش دفتر مثنوی را به نظم عربی درآورد و شرح و توضیحاتی بر آن افزود. این اثر با نام «جواهر الآثار فی ترجمه مثنوی مولانا خداوندگار محمد جلال‌الدین البلخی الرومی» در سال ۱۹۵۸م توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر شد. هر چند برگردان منظوم شش دفتر مثنوی کاری بسیار دشوار و جانکاه بوده لکن تکیه مترجم بر نظم‌آفرینی، معنا را قربانی لفظ کرده و آن را از بسیاری از جوانب هنری و زیباشناختی تهی ساخته است. از سوی دیگر، انتشار آن در ایران، سبب شده است که در میان عربی‌زبانان از مقبولیت و شهرت چندانی برخوردار نشود.

از جمله مصریانی که پس از عبدالوهاب عزام، پیشاهنگ مولوی‌شناسی در جهان عرب به شمار می‌روند، می‌توان از محمد عبدالسلام کفافی استاد دانشگاه قاهره (متوفی ۱۹۷۲ م) نام برد. کفافی در این باب خود را شاگرد عبدالوهاب عزام می‌دانست و کار خود را با برگردان مثنوی معنوی تحت عنوان «مثنوی جلال‌الدین الرومی شاعر الصوفیة الأكبر» در دو مجلد و در سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۷م آغاز کرد. وی در دیباچه اثر گرانسنگ خود که در بیروت به چاپ رسیده، از پیشینه مولوی‌پژوهی در جهان غرب و عرب و از شروح فارسی، ترکی و عربی مثنوی مباحث ارزشمندی را ارائه می‌دهد و به طور مبسوط درباره زندگی و آثار مولوی و جایگاه ویژه مثنوی در میان ایرانیان سخن می‌گوید و او را بزرگ‌ترین شاعر صوفی می‌داند که برخلاف دیگر صوفیان، دعوت به ترک دنیا نمی‌کند (رک: الرومی، ۱۹۶۶: ۶۷-۱). گفتنی است که ترجمه مثنوی کفافی از مثنوی به نوبه

خود یکی از بهترین ترجمه‌های مثنوی است چرا که برگردان منثور این امکان را به مترجم داده است که آزاد از قید تصنع، اندیشه شاعر را به مخاطب عرب منتقل سازد.

در سال ۱۹۹۵م، سید محمد جمال الهاشمی پژوهشگر عراقی، حکایات مثنوی را به عربی منظوم برگرداند و با عنوان «حکایات و عبر من المثنوی» از سوی انتشارات دارالحق بیروت در ۳۲۵ صفحه روانه بازار کرد. از ویژگی‌های این کتاب آن است که مترجم کوشیده قافیه را در هر بیت بنا بر نمونه فارسی آن حفظ کند که بی‌شک این مهم ترجمه را بر وی سخت و دشوار کرده است (www.neelwafurat.com).

در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۶م، مجموعه مهم دیگری در زمینه مولوی‌پژوهی و برگردان آثارش توسط ابراهیم الدسوقی شتا استاد بخش زبان‌های شرقی دانشگاه قاهره به جامعه ادبی عربی اهدا شد. این اثر که برگردان و شرح کامل منثور مثنوی مولاناست، از سوی شورای عالی فرهنگ (المجلس الأعلى للثقافة) در قاهره در شش مجلد به بازار نشر راه یافت. همو در سال ۲۰۰۰م، منتخبی از غزلیات دیوان شمس تبریزی را با نام «مختارات من دیوان شمس الدین تبریزی لمولانا جلال الدین الرومی» به عربی برگردان کرد؛ این کتاب در ۴۵۸ صفحه و توسط همان ناشر به چاپ رسیده است.

از کتاب «قصص المثنوی» تألیف محمد محمدی الاشتهاردی نیز باید نام برد که در سال ۱۹۹۸م از سوی دار المحجة البيضاء در ۲۰۸ صفحه به چاپ رسیده است.

بدین‌گونه تلاش‌های جدی مولوی‌پژوهی در جهان عرب همچنان ادامه یافت تا آن‌که عیسی علی العاکوب، استاد زبان و ادبیات عرب و عضو هیأت علمی دانشگاه حلب سوریه که به حق، نقطه عطف مطالعات مولوی‌پژوهی در جهان عرب شناخته می‌شود، در سال ۲۰۰۱م برای اولین بار به ترجمه کتاب «فیه ما فیه» به عربی همت گمارد. این کتاب ۳۳۶ صفحه‌ای که انتشارات دار الفکر بیروت آن را تحت عنوان «فیه ما فیه: أحادیث مولانا جلال الدین الرومی شاعر الصوفية الأكبر» به چاپ رسانده، مشتمل بر مقدمه مترجم و ۷۱ بخش است و با نثری شیوا و ادبی به عربی برگردان شده است. مترجم در مقدمه‌ای که بر کتاب نگاشته است، از سیر زندگی مولوی و آثار منظوم و منثور وی به ویژه کتاب فیه ما فیه که شامل سخنرانی‌های وی در باب تربیت اخلاقی - عرفانی و برخاسته از فرهنگی عمیق و جهان شمول است، سخن می‌گوید (الرومی، ۲۰۰۱: ۲۱-۹). العاکوب

در برگردان این کتاب هر چند بر اصل فارسی آن تکیه داشته لکن همچنان که خود اشاره می‌کند از برگردان انگلیسی آرتور آربری، خاورشناس شهیر، در شرح مشکلات ابیات بهره برده است (الرومی، ۲۰۰۱: ۲۲)، وی همچنین در سال ۲۰۰۲م توانست گلچینی شامل ۲۰۰ شعر از دیوان غزلیات شمس را در ۳۰۰ صفحه و با عنوان «ید العشق» به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق منتشر سازد.

ترجمه کتاب «المجالس السبعة: آفاق جدیدة و رائعة فی الرمزية الإسلامية» از دیگر اقدامات مهم العاکوب به شمار می‌رود. این کتاب ۱۶۵ صفحه‌ای که در سال ۲۰۰۴م از سوی انتشارات دار الفکر دمشق به بازار عرضه شده، مشتمل بر مقدمه مترجم و حاوی شرح هفت مجلس است که مولانا جلال‌الدین بلخی در سال‌هایی که در بلخ به منبر می‌رفته، ایراد کرده است و تقریباً تمامی این مجالس به سال‌های پیش از آشنایی وی با شمس‌الدین تبریزی بازمی‌گردد. مترجم در مقدمه از تاریخ و چگونگی نگارش این کتاب سخن می‌گوید و درباره ویژگی‌های نگارشی آن مانند آغاز کردن هر مجلس با خطبه‌ای عربی و مسجع و بهره‌گیری مولانا از قصه‌ها، آیات قرآن، ابیات مثنوی و رباعیات، اطلاعات جامع و کاملی در اختیار خواننده عرب می‌گذارد. وی این کتاب را کلید فهم مثنوی و بیانگر قدرت بی‌نظیر مولانا در خطابه و تجلی‌بخش اسلام با ابعاد عرفانی آن می‌داند (الرومی، ۲۰۰۴: ۱۳-۷).

در همین سال یعنی ۲۰۰۴م، کتابی دیگر از العاکوب عنوان «رباعیات مولانا جلال‌الدین الرومی» توسط انتشارات دار الفکر دمشق منتشر شد. او در مقدمه این کتاب ۵۲۰ صفحه‌ای به تعریف واژگانی و اصطلاحی رباعی و پیشینه آن در ادب فارسی و دو گونه رباعی اشاره می‌کند: یکی رباعی عاشقانه که از سرآمدانش رودکی، فرخی و منوچهری اند و دیگری رباعی صوفیانه که می‌توان از عطار و مولانا به عنوان پیشگامان آن یاد کرد؛ وی آن‌گاه به رباعیات مولانا می‌پردازد و اعجاب و شیفتگی خود را به مضمون و قالب شعری وی ابراز می‌دارد و بر این باور است که مولانا با هر تعبیر خود می‌کوشد مباحث و مفاهیم جدیدی را پیش روی مخاطب بگشاید و پیام و مضمون کلی رباعیات وی، توجه دادن مردم به پروردگار و تسلیم آنان به آفریننده جمال است (الرومی، ۲۰۰۴: ۱۷-۱۳)؛ وی سپس از ۱۹۸۳ رباعی مولانا، برگردانی منثور به زبان عربی ساده و وفادار به متن به مخاطب پیشکش می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این برگردان آن است که هرچند وزن

شعری در برگردان عربی نادیده گرفته شده اما تا حد امکان آرایه‌های بدیعی و حتی قافیه رعایت شده است.

نباید فراموش کرد که نخستین بار و در سال ۱۹۹۸م، محمد عید ابراهیم به ترجمه رباعیات مولانا همت گمارد و برگردان خود را با عنوان «رباعیات مولانا جلال الدین الرومی» در ۹۵ صفحه در قاهره به چاپ رساند. وی در مقدمه کتاب، شمه‌ای از زندگی مولانا را بیان می‌کند و آن‌گاه ترجمه رباعیات وی را در قالب شعر آزاد می‌آورد. این ترجمه بر مبنای برگردان انگلیسی گل‌مان بارکس آمریکایی و جان ایبل موین، زبان‌شناس ایرانی‌الاصل و استاد دانشگاه نیویورک انجام گرفته است (الرومی، ۱۹۹۸: ۷)؛ بنابراین می‌توان ترجمه با واسطه را از نقاط ضعف این کتاب دانست.

گفتنی است که العاکوب که به نوعی سرآمد مولوی‌پژوهی در ادبیات عرب به شمار می‌رود، تنها به ترجمه آثار و نمونه‌های شعری مولانا توجه نداشته بلکه رسایل و نامه‌های وی را تحت عنوان «رسائل مولانا جلال الدین الرومی» برای اولین بار به عربی برگردان کرده است؛ این کتاب که انتشارات دار الفکر دمشق در ۵۶۸ صفحه در سال ۲۰۰۸م به چاپ رسانده، مشتمل بر ۱۵۰ نامه‌ای است که مولانا به دیگران نوشته است.

در سال ۲۰۰۵م، محمد السعید جمال الدین، پژوهشگر مصری و استاد برجسته ادبیات تطبیقی کتاب «قصائد مختارة من دیوان شمس تبریز لجلال الدین الرومی» را در ۲۶۷ صفحه از جانب مکتبه الأسرة قاهره روانه بازار کتاب کرد. وی در آغاز و به تفصیل، از شمس تبریزی و سیر زندگی وی و از مولانا جلال‌الدین و چگونگی آشنایی این دو و روابط عمیقشان با یکدیگر و در نهایت، غیبت ناگهانی شمس سخن می‌گوید؛ آن‌گاه به آثار ادبی مولانا به ویژه دیوان شمس و موضوع آن اشاره می‌کند (رک: جمال الدین، ۲۰۰۵: ۴۳-۵). جمال‌الدین در مقدمه مفصل و ۳۸ صفحه‌ای خود، گزیده‌ای از دیوان شمس را نیز می‌آورد. نویسنده از حدود ۳۲۲۹ غزل موجود در دیوان شمس، تنها به ۱۰۱ نمونه غزل بسنده کرده و نام قصائد بر آن‌ها نهاده است زیرا در عربی معاصر به هر گونه قالب شعری، لفظ قصیده اطلاق می‌شود و این از سویی با ذوق و دریافت خواننده عربی هم‌خوانی دارد و از سویی با تعریف عربی غزل سازگار است چرا که این اشعار گاه دربرگیرنده معانی‌ای است که با معنی غزل در ادبیات عربی ناموافق است. نویسنده در برگردان اشعار می‌کوشد به متن وفادار باشد و تا حدودی نیز در این مهم موفق بوده و توانسته است برگردانی متشور از ابیات عرضه

دارد و در عین حال در برخی نمونه‌های شعری، زبان شعر و آهنگین بودن شعر را با آوردن سجع حفظ کند. از دیگر محسنات این کتاب آن است که گزیده‌های شعری این مجموعه برای نخستین بار به عربی برگردان شده است و تنها شش گزیده شعری آن - بنا به گفته مترجم - پیش از وی توسط ابراهیم الدسوقی شتا ترجمه شده است (جمال الدین، ۲۰۰۵: ۵).

در سال ۲۰۰۸م، آفاق للنشر و التوزیع، کتاب «جلال الدین الرومی: المثنوی کتاب العشق و الإسلام» را در ۲۵۶ صفحه روانه بازار کرد. این کتاب که ترجمه پایان‌نامه دکتری سید جهرمان صفافی است و در سه فصل تنظیم و توسط مصطفی محمود و طارق أبو الحسن به عربی برگردان شده است، دفتر اول مثنوی مولانا را از لحاظ ساختاری بررسی می‌کند.

از جدیدترین کتاب‌ها در زمینه مولوی پژوهی، کتاب «مختارات من قصائد مولانا جلال الدین الرومی و غزلیاته» است که در سال ۲۰۱۰م، توسط علاء الدین عبدالعزیز السباعی، استاد دانشگاه الأزهر، از سوی المرکز القومي للترجمة در قاهره در ۴۳۷ صفحه به چاپ رسیده است. نویسنده در کتاب خود مجموعه‌ای از قصاید و غزلیات مولانا را به عربی برگردان کرده است (www.goodreads.com).

۲ - ۵ - معرفی آثار و افکار مولانا جلال الدین بلخی

برخی از پژوهشگران عربی‌زبان با نشر کتاب‌هایی مستقل در باب مولانا، به بررسی زندگی شخصی و ادبی وی پرداخته اند که در این بین می‌توان به پژوهشگران زیر اشاره کرد: محمد عبدالسلام کفافی، مولوی پژوه عرب، در سال ۱۹۷۱م کتابی تحت عنوان «جلال الدین الرومی، فی حیاته و شعره» نگاشت؛ این کتاب که در پنج فصل و در ۴۹۲ صفحه تنظیم شده است، مشتمل بر دیباجه، ذکر قصیده‌ای صوفیانه، فهرست مطالب، مقدمه نگارنده و متن اصلی است. از محسنات این کتاب آن است که نگارنده تنها به برگردان و شرح عربی گلچین آثار مولانا بسنده نمی‌کند بلکه می‌کوشد اصل حکایات و اشعار را که به زبان فارسی است در کتابش بگنجانند که این مهم، برای نوآموزان فارسی یا عربی‌زبان سودمند است. وی در مقدمه کتاب خود ضمن آنکه مولانا را از جمله شاعران برجسته‌ای می‌داند که در آثارش بر انسانیت بسیار تاکید داشته‌اند، بر خوانندگان عرب که برخلاف خاورشناسان اروپایی و مسلمان شرق جهان اسلام مولانا و آثارش را آن گونه که

باید نشناخته‌اند، خرده می‌گیرد (کفافی، ۱۹۷۱: ۱۹).

در سال ۱۹۷۳م، انتشارات المختار الإسلامی قاهره، کتابی را تحت عنوان «مولانا جلال الدین الرومی» به قلم أبو الحسن الندوی منتشر ساخته است که متأسفانه از آن جا که امکان دسترسی به اصل کتاب دسترسی وجود نداشت، از هرگونه اظهار نظر درباره محتوای آن پرهیز می‌شود. از دیگر اقدامات جدی که در طی این سال‌ها انجام گرفته، کتاب «جلال الدین الرومی» به قلم مصطفی غالب در سال ۱۹۸۲م است. این کتاب ۱۶۴ صفحه‌ای که از سوی مؤسسه عزالدین بیروت روانه بازار کتاب شده، مقدمه نگارنده و ذکر مصنفات مولوی و نیز چند نمونه از داستان‌های مثنوی یعنی «قصة البقال و البیغاء، الأسد و الوحش، مضرة اشتها المرء و تعظیم الخلق له و قصة الأعرابی و زوجته» را در بر دارد. نگارنده در مقدمه کتاب به زندگی مولانا جلال‌الدین از آغاز تا انجام جایگاه ادبی و عرفانی وی در ادبیات فارسی می‌پردازد؛ آن‌گاه در در بخش دوم کتاب به آثار منظوم و منثور مولانا اشاره کوتاهی دارد و به معرفی مجالس السبعة، رسائل، فیه ما فیه، رباعیات، دیوان شمس و به ویژه مثنوی معنوی می‌پردازد (غالب، ۱۹۸۲: ۴۴-۵) و سپس چهار حکایت برگزیده از مثنوی را در پایان کتاب خود می‌آورد.

مصطفی غالب در معرفی مثنوی و بیان ویژگی‌های آن - همچنان‌که خود نیز در پاورقی اشاره می‌کند - به کتاب «جلال الدین الرومی فی حیاة و شعره» نوشته محمد عبدالسلام کفافی نظر داشته و شرح عربی سه حکایت کتابش - قصة البقال و البیغاء، الأسد و الوحش و قصة الأعرابی و زوجته - را عیناً از شرح وی بر مثنوی آورده است.

عنایت‌الله ابلاغ الأفغانی یکی دیگر از پژوهشگران عربی‌نویس در روند مولوی‌شناسی به شمار می‌رود که در سال ۱۹۸۷م، کتاب «جلال الدین الرومی بین الصوفیة و علماء الکلام» را که در اصل پایان‌نامه دکتری وی در دانشگاه الأزهر مصر است، در دار المصریة بیروت به چاپ رساند. این کتاب ۴۲۴ صفحه‌ای که با پیش‌درآمدی از یحیی الخشاب آغاز می‌شود، مشتمل بر پیشینه کوتاهی از زندگی‌نامه مولانا و مولوی‌پژوهی در جهان و ذکر پیشگامان آن در جهان عرب از جمله یوسف القونوی و عبدالوهاب عزام و حاوی هفت باب است (ابلاغ، ۱۹۸۷: ۶). در باب اول از احوال شهر بلخ در دو قرن پنجم و ششم هجری، در باب دوم از تصوف اسلامی و سیر تطور آن تا زمان

مولوی، در باب سوم از تاثیر محیط و آموزه‌های پدر مولانا و شمس تبریزی در تکوین شخصیتی وی، در باب چهارم از مهم‌ترین آثار ادبی وی از جمله مثنوی و فیه ما فیه، در باب پنجم از طریقت و مکتب وی در تصوف، در باب ششم از اندیشه‌ها و آراء صوفیانه و در نهایت، در باب هفتم از مهم‌ترین اندیشه‌های کلامی و فلسفی وی سخن گفته می‌شود.

عیسی علی العاکوب مولوی پژوه پرکار عرب در سال ۲۰۰۰م، کتاب «الشمس المنتصرة: دراسة آثار الشاعر الإسلامي الكبير جلال الدين الرومي» را که برگردان کتاب آنه ماری شیمیل، خاورشناس شهیر آلمانی و پژوهشگر فرهنگ‌های اسلامی-هندی است، در ۸۱۶ صفحه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران به چاپ رساند. این اثر که مشتمل بر مقدمه‌ای درباره زندگی مولوی و تاثیر وی بر جهان شرق و غرب است، به تصویرگری در شعر مولانا و صور مجازی در شعر او پرداخته و الهیات را از دیدگاه وی بررسی کرده است. مترجم در مقدمه کتاب، مهم‌ترین سبب ترجمه این کتاب را ضرورت آشنایی عرب‌ها با ادبیات دیگر زبان‌ها به ویژه زبان فارسی برای افزایش رشد فرهنگی و نیز علاقه وافر خود به شخصیت و آثار مولانا به عنوان بزرگ‌ترین شاعر صوفی جهان می‌داند (شیمیل، ۲۰۰۰: ۱۴ و ۹). این کتاب در ایران نیز به فارسی ترجمه شده و تحت عنوان «شکوه شمس» انتشار یافته و بارها تجدید چاپ شده است (شیمیل، ۱۳۷۵).

عاکوب در همین سال کتاب «جلال الدين الرومي و التصوف» را که برگردان کتاب او دو ویتره میروویش (Eva de Vitray Meyerovitch) خاورشناس معاصر و مسلمان فرانسوی است، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران به چاپ رساند. این کتاب مصور ۲۳۴ صفحه‌ای در چهار فصل «الشیخ و حیات و طریقه و آثار»، «الطریق الروحی أو التصوف عند جلال الدين الرومي»، «التعلیم الصوفی» و «حضور التصوف» تنظیم شده و با نثر شیوا و ادبی به عربی فصیح ترجمه شده است و خوانندگان عرب را به نیکی با ادبیات اسلامی - عرفانی آشنا می‌کند. مترجم در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته از کوشش در برگردان کتاب و تطبیق ابیات مذکور در کتاب با اصل فارسی و ارزش کتاب در شناخت ادبیات اسلامی و دقایق تصوف و شخصیت بی‌نظیر مولوی سخن می‌گوید؛ آن‌گاه مولف کتاب را می‌ستاید و او را خاورشناسی معرفی می‌کند که در پی آشنایی با عرفان اسلامی و شیفتگی شدید به شخصیت مولوی، به اسلام ایمان آورده است (میروویش، ۲۰۰۰: ۱۱-۷).

العاکوب فعالیت‌های مولوی پژوهی خود را در زمینه ترجمه و پژوهش ادامه داد تا اینکه در سال ۲۰۰۶م، کتاب «از بلخ تا قونیه» نوشته بدیع‌الزمان فروزان‌فر را از فارسی به عربی برگردان کرد و تحت عنوان «من بلخ إلى قونیه» از سوی انتشارات دار الفکر دمشق در ۳۲۰ صفحه به چاپ رساند. این کتاب که در ده فصل گرد آمده و به تفصیل به بیان زندگی مولانا از طلوع زندگی وی در بلخ تا غروب وی در قونیه پرداخته است و در فصل‌های پایانی از آثار و ادبا و امرای معاصر وی و خانواده‌اش سخن می‌گوید، در آشنایی خواننده عرب با زندگی مولوی نقش بسزایی ایفا می‌کند. العاکوب افزون بر کتاب‌های فراوانی که در آنها به پژوهش در زندگی مولانا و برگردان آثار ادبی وی پرداخته، مقالاتی نیز در این باره دارد که به آنها اشاره خواهد شد.

در سال ۲۰۰۰م، کتاب «أخبار جلال الدین الرومی: وفات مع ترجمته فی کتاب رجال الفکر و الدعوة فی الإسلام» در عربستان سعودی به چاپ رسید. نویسنده این کتاب، ابوالفضل محمد بن عبدالله القونوی، این کتاب را در ۵۶۹ صفحه و چهار فصل تدوین کرده است؛ فصل اول از سبب تألیف کتاب و زندگی‌نامه مولوی و اعتقاد وی به وحدت وجود، فصل دوم از نظریه وحدت وجود و صاحب آن یعنی ابن عربی و اخبار مغولان، فصل سوم از دوستان و نزدیکان مولانا از جمله شمس تبریزی، حسام چلیپی و سلطان ولد و فصل چهارم از مثنوی سخن می‌گوید.

در سال ۲۰۰۵م، دار النفائس لبنان کتاب «حدائق الروح: بصائر من وحی کلمات مولانا جلال الدین الرومی» نوشته ماهر سقا آمینی را به چاپ رساند که منتخبی از آراء و اندیشه‌های صوفیانه مولانا در باب تهذیب نفس و اصلاح آن است.

در همین سال، محمد السعید جمال‌الدین کتابی را با عنوان «رسالة الإلهام بین مدرسة جلال الدین الرومی و علم النفس الحديث» از سوی انتشارات دار الهادی بیروت روانه بازار کرد.

۳-۵- آثار جنبی

بایسته است از پژوهشگرانی یاد شود که به طور مستقل به برگردان آثار مولانا یا بررسی افکار و اندیشه‌های وی نپرداخته‌اند لکن کوشیده‌اند در خلال کتاب خود که عموماً در باب تصوف اسلامی و یا بررسی شاهکارهای ادبیات فارسی است، از مولانا و آثار و افکارش سخن به میان آورند و به

ذکر گزیده‌ای از آثارش بسنده کنند. از این جمله می‌توان به پژوهشگران و محققان زیر اشاره کرد: در سال ۱۹۴۷م، أبو العلاء عفیفی کتابی را از رینولد الین نیکلسون (R.A. Nicholson) مولوی پژوه شهیر (۱۸۶۸-۱۹۴۵) با عنوان «فی التصوف الإسلامی و تاریخه» به عربی برگردان و در قاهره منتشر کرد. وی در بخشی از این کتاب که به تصوف (=عرفان) اسلامی و پیشینه آن پرداخته، به آراء و اندیشه‌های عارفانه مولانا جلال‌الدین بلخی اشاره کرده است.

عبدالوهاب عزام مصری در سال ۱۹۴۸م، کتابی را با نام «الأدب الفارسی» در قاهره منتشر ساخت که در آن مختصراً به زندگی مولانا اشاره کرده و برگردان منظوم عربی نی‌نامه را در قالب مثنوی به آن افزوده است. در سال ۱۹۵۱م و در پی برگردان پژوهش‌های نیکلسون در باب عرفان و تصوف، نورالدین شریبه در قاهره کتاب دیگری از وی را با عنوان «الصوفیة فی الإسلام» به عربی برگردان کرد که در آن اشاراتی به اندیشه‌های عرفانی مولانا شده است.

محمد الفراتی در سال ۱۹۶۳م، کتاب «روائع من الشعر الفارسی» را در ۳۲۲ صفحه از سوی انتشارات وزارة الثقافة و الإرشاد القومي در سوریه به چاپ رساند. این کتاب که مشتمل بر گزیده‌های شعری سه شاعر شهیر فارسی سرا، مولانا جلال‌الدین، سعدی شیرازی و حافظ است، به برگردان منظوم منتخباتی از سروده‌های مولانا از جمله نی‌نامه در قالب مثنوی و بحر خفیف پرداخته است لکن آنگونه که باید نتوانسته به اصل وفادار باشد و در برگردان بسیاری از واژگان فارسی و جملات دچار لغزش‌های فراوان شده است که دلیل آن را می‌توان عدم آشنایی مترجم با ادبیات عرفانی و برگردان منظوم اشعار دانست.

محمد محمدی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیروت که خدمات وی در شناساندن ادب و فرهنگ ایرانی در جهان عرب قابل انکار نیست، در ضمن آثار و مقالاتی که در مجلات مختلف به چاپ رسانده، به جایگاه مثنوی در جهان عرب پرداخته است که از جمله می‌توان به کتاب وی «الأدب الفارسی فی أهم أدواره و أشهر أعلامه» اشاره کرد. این اثر در سال ۱۹۶۷م توسط دانشگاه لبنان به چاپ رسید. وی در این کتاب ۳۴۳ صفحه‌ای، بابی را به مولانا جلال‌الدین اختصاص داده و از سرگذشت وی، دیدارش با شمس تبریزی و تحول فکری و درونی وی در پی این دیدار سخن به میان می‌آورد.

اقدامات مولوی پژوه عرب، محمد عبدالسلام کفافی، تنها به برگردان آثار مولانا و بررسی افکار و اندیشه‌های او ختم نشد؛ وی در سال ۱۹۷۲م، کتابی در زمینه ادبیات تطبیقی تحت عنوان «فی الأدب المقارن: دراسات فی نظریة الأدب و الشعر القصصی» در ۵۵۵ صفحه در بیروت به چاپ رساند و در آن مباحث نظری ادبیات تطبیقی و شعر داستانی را در اروپا و کشورهای اسلامی به ویژه ایران مطرح کرد. وی در فصل شانزدهم کتاب خود با عنوان مثنوی‌های عرفانی، از چگونگی پیدایش و ظهور مثنوی عارفانه در ادبیات فارسی به عنوان جلودار این گونه شعری و محتوای درونی آن و پیشگامانش از جمله مولانا جلال‌الدین مولوی سخن به میان می‌آورد و او را بزرگ‌ترین شاعر ادبیات اسلامی - عرفانی و از برجسته‌ترین شعرای جهان می‌داند که جایگاه ویژه‌ای در میان پژوهشگران و خاورشناسان اروپایی یافته است (کفافی، ۱۹۷۲: ۴۸۵). وی در ادامه از زندگی وی و شیوه آشنایی‌اش با شمس تبریزی و هم‌چنین آثارش از جمله مثنوی و مضمون آن سخن می‌گوید و در پایان نمونه‌هایی چند از داستان‌های مثنوی را از نظر خواننده می‌گذراند.

در سال ۱۹۷۸م، ابراهیم الدسوقی شتا علاوه بر برگردان مثنوی مولانا، کتاب «التصوف عند الفرس» را نیز به رشته تحریر درآورد. این کتاب ۶۵ صفحه‌ای که انتشارات دار المعارف مصر آن را به چاپ رسانده است، از عرفان اسلامی و عوامل موثر در پیدایی و شکل‌گیری آن، مهم‌ترین جریانات عرفان ایرانی، عرفای شهیر ایرانی از جمله مولانا و تاثیر شمس بر وی و دو کتاب معروف مثنوی و غزلیات شمس و اندیشه غالب بر آن دو و وجد و سماع عارفانه و آراء صوفیانه مولانا سخن به میان می‌آورد.

أبو الوفاء الغنیمی التفتازانی، استاد دانشگاه فلسفه اسلامی قاهره، در سال ۱۹۷۹ م کتابی را تحت عنوان «مدخل إلى التصوف الإسلامي» از سوی دار الثقافة قاهره به چاپ رساند. این کتاب ۲۸۷ صفحه‌ای که در هفت فصل تنظیم شده است از منشأ تصوف (= عرفان) در اسلام و چگونگی پیدایی و مراحل شکل‌گیری و ویژگی‌های کلی آن و همچنین مراحل سیر و سلوک و طریق إلى الله و پیشگامان عرفان اسلامی از جمله مولانا سخن می‌گوید و شعرای ایرانی را پیش‌قراولان ادبیات عرفانی و مولوی را بزرگ‌ترین شاعر عارف ایرانی می‌داند؛ وی آن‌گاه به بیان زندگی و اندیشه‌ها و آراء و آثار مولانا از جمله مثنوی به عنوان اثر سترگ وی که به زبان‌های مختلف جهان ترجمه شده است، می‌پردازد؛ وی از مولوی به عنوان عارفی که به فناء فی الله و وحدت وجود باور دارد، نام

می‌برد و از این جهت او را شبیه به ابن فرض، شاعر صوفی عرب می‌داند و بر این باور است که آنچه مولانا و ابن فرض را از ابن عربی متمایز ساخته، شیوه نگرش ایشان به مساله وحدت وجود است (الغنیمی التفتازانی، ۱۹۷۹: ۲۳۲ - ۲۳۱).

إسعاد عبدالهاوی قنديل، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه عین شمس، کتاب خود را تحت عنوان «فنون الشعر الفارسی» در سال ۱۹۸۰م از سوی انتشارات دار الأندلس بیروت به طبع رساند. وی در مقدمه این کتاب ۳۹۶ صفحه‌ای به جایگاه رفیع ادبیات فارسی نزد پژوهشگران و ادب-پژوهان و تنوع و گوناگونی قالب‌های شعر فارسی اشاره می‌کند و می‌افزاید این در حالی است که در شعر عربی جز موشح که در ادبیات اندلس ظهور کرد، شاهد هیچ قالب شعری جدیدی نیستیم تا آنجا که هرگاه دیوان شاعری عرب را می‌کشاییم به ندرت می‌توان غیر از قصیده قالبی دیگر را یافت (قنديل، ۱۹۸۱: الف، ب، ح). وی در این کتاب چهار فصلی، از قالب‌ها و اصطلاحات بدیعی و عروضی شعر فارسی با ذکر نمونه‌های بسیار به تفصیل سخن می‌گوید و درباره زبان فارسی و پیشینه آن و شعر فارسی و اولین سراینده‌گان به این زبان و قالب‌های شعری و پیشاهنگانش نکته-های مهمی را مطرح می‌کند. گفتنی است که وی در باب غزل از پیشینه و ویژگی‌های ساختاری آن، گرایش شاعران فارسی‌سرا به آن و غزل‌سرایان نامی فارسی از جمله مولانا یاد می‌کند (قنديل، ۱۹۸۱: ۲۰۳-۲۰۰) و سپس گزیده‌ای از سرگذشت مولانا و آثارش و دو نمونه از غزلیات وی را همراه با برگردان عربی آن می‌آورد. وی در ذکر نمونه‌های ترکیب‌بند نیز نمونه‌ای از ترکیب‌بند مولوی را به عنوان نمونه می‌آورد.

در سال ۱۹۸۲م، بدیع محمد جمعه، کتاب «من روائع الأدب الفارسی» را در ۳۵۹ صفحه توسط دارالنهضة العربیة در بیروت منتشر کرد. نویسنده در این کتاب که مشتمل بر گزیده‌ای از شاهکارهای منثور و منظوم ادبیات فارسی است، بعد از معرفی کوتاه بزرگان ادب فارسی، گزیده‌هایی از آثارشان را به زبان فارسی می‌آورد تا خواننده عرب‌زبان و آشنا با زبان فارسی، با متن اصلی آثار آشنا شود؛ آن‌گاه به منظور استفاده خوانندگانی که چندان با این زبان آشنایی ندارند، برگردان عربی آن‌ها را می‌آورد. مؤلف در بخش شاهکارهای منظوم فارسی، از میان آثار مولانا، سه نمونه از اشعار غزلیات شمس را با عنوان «مرد خدا»، «چه تدبیر؟» و «خبری از یار ما» همراه با گزیده‌هایی از رباعیات مولوی از نظر خواننده می‌گذراند.

در سال ۱۹۸۸م، کتاب «الأعلام الخمسة للشعر الإسلامي» نوشته محمد حسن الأعظمی استاد دانشگاه الأزهر و الصاوی علی شعلان از سوی موسسه عزالدین بیروت به چاپ رسید. نویسندگان در این کتاب ۴۷۱ صفحه‌ای از پنج شاعر نامی ادب فارسی، اقبال، حافظ، سعدی، مولانا جلال‌الدین و عطار سخن به میان می‌آورد و مولانا را شاعر صوفی انسان‌گرا می‌داند که برخلاف دیگر صوفیان ترک دنیا نمی‌گوید. وی با اشاره به سرگذشت مولوی و نحوه آشنایی‌اش با شمس تبریزی، به معرفی مثنوی و جایگاه ویژه آن در میان ایرانیان که از آن با عنوان قرآن پهلوی یاد می‌کنند، می‌پردازد و بر آنان که این کتاب را تنها از روی سرگرمی و گذران وقت می‌خوانند، خرده می‌گیرد (الأعظمی، ۱۹۸۸: ۳۵۶-۳۳۰)؛ آنگاه برگردان داستان‌هایی را از مثنوی به نثر عربی می‌آورد.

محمد السعید جمال الدین، در سال ۱۹۹۸م کتاب «أعلام الشعر الفارسی فی عصور الازدهار: دراسات و نصوص» را از سوی انتشارات دار الهدایة در ۱۴۴ صفحه به چاپ رساند. این کتاب به ادبیات فارسی در دوره سلجوقی - مغولی می‌پردازد و آن را دوره شکوفایی ادب فارسی معرفی می‌کند و از شش شاعر نامی این دوره یعنی ابو سعید ابو الخیر، ناصر خسرو، عمر خیام، مسعود سعد سلمان، سعدی شیرازی و مولانا جلال‌الدین سخن می‌راند (جمال الدین، ۱۹۹۸: ۳). نویسنده بعد از آن‌که زندگی‌نامه مولانا و آثار و اندیشه‌های وی را به زبان عربی شرح می‌دهد، گزیده‌ای فارسی را از سرگذشت وی از آغاز تا انجام همراه با توضیحاتی که مشتمل بر شرح عربی واژگان فارسی است، ضمیمه پژوهش خود می‌کند که برای نوآموزان زبان فارسی سودمند است.

در این میان لازم است بار دیگر از عیسی علی العاکوب یاد شود. اولین کار جدی وی در این باب، کتابی است تحت عنوان «ید الشعر: خمسة شعراء متصوفة من فارس» که در سال ۱۹۹۸م انتشار یافت. این کتاب در اصل برگردان کتاب کُلیمان بارکس (Coleman Barks) شاعر آمریکایی است که سخت شیفته تصوف ایرانی - اسلامی و به ویژه مولانا بود و مجموعه سخنرانی‌های عنایت‌خان، صوفی شهیر هندی را در باب حافظ، سعدی، مولانا، عطار و سنایی که در سال ۱۹۲۳م در شهر سانفرانسیسکو آمریکا ایراد شده، در کتاب خود همراه با مقدمه و شرح احوال شاعران گرد آورده است. مترجم در مقدمه این کتاب ۲۷۲ صفحه‌ای که در دمشق به چاپ رسیده است، از تصوف و عرفان و پیشینه آن و ویژگی عرفا سخن به میان می‌آورد؛ آن‌گاه به وجه تسمیه کتاب می‌-

پردازد و پنج شاعر فارسی سرا را به پنج انگشت دست تشبیه می‌کند و سپس به شرح حال و بیان آرا، آثار و گزیده‌هایی از اشعارشان می‌پردازد (بارکس، ۱۹۹۸: ۳۹-۱۱). متن اصلی کتاب که با عنوان «الشاعر و النبی» نام‌گذاری شده است و نگارنده سبب این نام‌گذاری را اشتراک منبع الهام پیامبران و شاعران می‌داند (بارکس، ۱۹۹۸: ۵۲-۵۱)، مشتمل بر معرفی پنج شاعر عارف فارسی سرای از جمله جلال الدین مولوی است که از وی به عنوان شاعری بزرگ که دنیا به خود دیده و از آشنایی وی با شمس و اندوهش از پی هجران او سخن می‌گوید و سپس نمونه‌ای چند از آثار منظوم و منثور وی می‌آورد.

در سال ۲۰۰۰م، مؤسسه الباطین کویت کتابی را تحت عنوان «مختارات من الشعر الفارسی منقولة إلى العربية» در ۴۱۶ صفحه روانه بازار کتاب کرد. این کتاب را عارف الزغلول با همکاری مصطفی عکرمه و عبدالناصر المحمد و با نظارت ویکتور الکک به رشته تحریر درآورده است و از شعرای نامی کلاسیک از جمله مولانا و شعرای معاصر ایرانی و سروده‌هایشان سخن می‌گوید. مولفان بعد از ارائه شرح مختصری از زندگی مولانا، گزیده‌ای از سروده‌های وی را در قالب مثنوی، قصیده و قطعه به عربی منظوم برگردانده اند.

از دیگر پژوهشگران عرب که در کتاب خود به مولانا اشاره کوتاهی داشته، یوسف حسین بکار استاد دانشگاه یرموک اردن است که در کتابش «نحن و تراث فارس» که از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق در سال ۲۰۰۰م به چاپ رسیده، به تلاش‌های دوسویه ایرانیان و عرب‌ها در معرفی فرهنگ و میراث ادبی یکدیگر اشاره کرده و از مولانا به عنوان یکی از چهره‌های بارز ادب فارسی که از دیرباز مورد توجه پژوهشگران عرب بوده است، یاد می‌کند.

در سال ۲۰۰۶م، کتاب «الأبعاد الصوفية في الإسلام و تاريخ التصوف» نوشته آنه ماری شیمیل توسط محمد اسماعیل السید و رضا حامد قطب از سوی انتشارات الجمل بغداد به عربی برگردان شد. این کتاب ۵۲۰ صفحه‌ای از عرفان (= تصوف) اسلامی و جلوه‌ها و آداب ویژه آن سخن می‌راند و از جمعی از عارفان و صوفیان نامی اسلامی از جمله مولانا جلال‌الدین یاد می‌کند و مولانا را صوفی شهیر اسلامی معرفی می‌کند که توجه خاورشناسان بسیاری را به سوی خود جلب کرده است تا آن جا که آثار ادبی وی را موضوع پژوهش‌های خود قرار داده‌اند (شیمیل، ۲۰۰۶: ۳۴۸)؛ همچنین از سرگذشت مولانا از آغاز و آشنایی‌اش با شمس تبریزی و مراسم وجد و سماع

عارفانه و جایگاه رفیع مولوی در میان عارفان قونیه و در ادب فارسی و ویژگی‌های غالب بر کتاب مثنوی سخن به میان می‌آورد.

۴-۵ - سیری در مقالات پژوهشی و روند آن

در این بخش سعی بر آن است که از پژوهش‌هایی که در قالب مقاله عرضه شده‌اند یاد شود لکن از آنجا که مقالات بسیاری در این باره به چاپ رسیده است، ممکن است به رغم جستجوی گسترده نگارندگان این سطور، مواردی از قلم افتاده باشد؛ و ال‌کمال لله وحده.

در سال ۱۳۶۰ق/۱۹۳۹م، مقاله «جلال الدین الرومی» به قلم محمد خلف‌الله در ۵ صفحه در شماره ۱۵۱ مجله الثقافة منتشر شد که شاید نخستین مقاله مطبوعاتی جهان عرب در این موضوع باشد. این مقاله به زندگی مولانا جلال‌الدین بلخی پرداخته و از آراء و اندیشه‌های اندیشمندان غرب درباره مولانا به صورت موجز سخن رانده است (خلف‌الله، ۱۹۳۹: ۱۴-۱۰).

در سال ۱۳۶۱ق/۱۹۴۰م، مقاله «مولانا جلال الدین الرومی فی میزان التاریخ و العقیده» نوشته عبدالعزیز جنکیزخان ترکستانی در شماره ۱۶۰ مجله الثقافة در ۳ صفحه به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله به گونه‌ای می‌کوشد مولانا را نه فارس بلکه زاده افغانستان و ترک‌نژادی معرفی کند که زبان فارسی را به عنوان زبان آثار خویش برگزیده است (الترکستانی، ۱۹۴۰: ۲۷-۲۵).

از جمله پژوهش‌های زنجیره‌ای که در زمینه مولوی پژوهی انجام گرفته، پژوهش‌های عبدالوهاب عزام است. وی به سال ۱۳۶۱ق/۱۹۴۰م، در چندین شماره (۱۶۹-۱۶۷ و ۱۶۵) مجله الثقافة، مقالاتی را تحت عنوان «مولانا جلال الدین الرومی» منتشر ساخت. وی در این سلسله مقالات از مثنوی مولانا، وجه تسمیه، تاریخ سرایش و محتوای آن و مهارت مولانا در تضمین آیات و احادیث و اشعار عربی و از دیوان شمس تبریزی و وجه تمایزش با مثنوی و باور مولانا به قضا و قدر سخن می‌گوید (السباعی، ۲۰۰۵: ۴۹۷).

عبدال موجود عبدالحافظ در سال ۱۳۶۷ق/۱۹۴۶م، مقاله‌ای را با نام «دراسات تحلیلیة: جلال الدین الرومی» در شماره ۷۹۵ مجله الرسالة در ۳ صفحه به چاپ رساند. وی در این مقاله اشاراتی به زندگی مولانا جلال‌الدین و اندیشه‌های عرفانی وی دارد (عبدالحافظ، ۱۹۴۶: ۱۰۹۷-۱۰۹۵).

در سال ۱۹۶۰م، محمد یحیی الهاشمی استاد دانشگاه حلب مقاله‌ای را تحت عنوان «جلال الدین الرومی من خلال خلاصة مثنوی للأستاذ بدیع الزمان فروزانفر» در ۸ صفحه در شماره ۳ مجله الدراسات الأدبية به چاپ رساند و در آن گزیده‌ای از کتاب «خلاصه مثنوی» را که به عربی برگردان کرده بود آورد (الهاشمی، ۱۹۶۰: ۳۶۶-۳۵۹).

در سال ۱۳۸۳ق/ ۱۹۶۲م، مقاله «صوفی شاعر و شاعر صوفی: لحظات مع صاحب المثنوی» نوشته عامر العقاد در شماره نخست مجله منبر الإسلام به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله سه صفحه‌ای از زندگی مولانا جلال‌الدین و آشنایی‌اش با عطار نیشابوری و کتاب سترگش مثنوی و محتوای آن و گزیده‌ای از آراء عارفانه وی سخن می‌گوید (العقاد، ۱۹۶۲: ۱۲۹-۱۲۷).

حسین علی محفوظ صاحب کتاب شهیر «المتنبی و سعدی» در سال ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۴م، مقاله «المولوی أكبر صوفیة الإسلام» را در پنج صفحه به رشته تحریر درآورد و در شماره ۹ مجله الأقالیم به چاپ رساند. این مقاله مانند بسیاری از دیگر مقالات به زندگی مولانا و آشنایی وی با شمس تبریزی و آثار ادبی مولانا و محتوای آن‌ها اشاره می‌کند (محفوظ، ۱۹۶۴: ۸۷-۷۴).

مجله رساله الإسلام چاپ قاهره نیز در شماره ۵۷ خود در سال ۱۹۶۵م، مقاله «جلال الدین مولوی» را در ۷ صفحه به طبع رساند. محمد غنیمی هلال، نویسنده این مقاله از زندگی مولانا و مثنوی و درون‌مایه آن و معانی عرفانی واژگانش سخن می‌راند (هلال، ۱۹۶۵: ۹۵-۸۹).

در سال ۱۳۸۷ق/ ۱۹۶۶م، مجله منبر الإسلام در هشتمین شماره خود مقاله‌ای را تحت عنوان «مختارات من کتاب المثنوی لإمام المتصوفة جلال الدین الرومی» منتشر کرد. الصاوی علی شعلان در این مقاله شش صفحه‌ای، بعد از آنکه مختصراً به شرح زندگی مولانا و آشنایی‌اش با شمس تبریزی می‌پردازد، به مهمترین اثر وی، مثنوی و ویژگی‌های بارز آن از جمله اقتباس از قرآن کریم و احادیث نبوی و بهره‌گیری از تمثیل در بیان مقصود اشاره می‌کند و آنگاه به عنوان نمونه حکایت بازرگان و طوطی را می‌آورد (شعلان، ۱۹۶۶: ۶۳-۵۸).

از دیگر مقالات در این زمینه، مقاله «جلال الدین الرومی: أعظم شاعر صوفی عرفه العالم» نوشته لطفی ملحس است. این مقاله ۵ صفحه‌ای که در شماره ۳۵ مجله الوعي الإسلامی در سال ۱۳۸۷ق/ ۱۹۶۶م به چاپ رسید، بعد از آن که به طور مختصر به زندگی مولانا می‌پردازد از آثار

ادبی وی از جمله مثنوی معنوی، دیوان شمس تبریزی و کتاب فیه ما فیه نام می‌برد و از درون‌مایه آنها اطلاعات جامعی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد (ملحس، ۱۹۶۶: ۷۲-۶۸).

در همین سال، مقاله «مثنوی جلال الدین الرومی شاعر الصوفیه الأكبر» نوشته سعید علی در شماره ۲۹-۳۰ مجله الدراسات الأدبیه انتشار یافت. این مقاله در ۳ صفحه به شناساندن کتاب «مثنوی جلال الدین الرومی» از محمد عبدالسلام کفافی پرداخته است (علی، ۱۹۶۶: ۱۶۳-۱۶۱).

عنایت‌الله ابلاغ نیز در سال ۱۳۹۳ق/۱۹۷۲م، مقاله‌ای را تحت عنوان «جلال الدین الرومی» در شماره ۴ مجله منبر الإسلام در سه صفحه به چاپ رساند. وی در این مقاله از سیر زندگی مولانا و نحوه آشنایی وی با شمس تبریزی سخن به میان می‌آورد (ابلاغ، ۱۹۷۲: ۲۲۳-۲۲۱).

مقاله دو صفحه‌ای «فلاسفة العالم: جلال الدین الرومی» به قلم سعد عبدالعزيز که در شماره ۵۷ مجله الجدید در سال ۱۹۷۴م به چاپ رسید، از دیگر مقالات چاپ شده در این باب است (عبدالعزیز، ۱۹۷۴: ۵۹-۵۸).

در همین سال احمد بهجت در شماره ۷ مجله منبر الإسلام مقاله‌ای را در ۱۲ صفحه با نام «مثنوی جلال الدین الرومی» به چاپ رساند. وی در این مقاله آشنایی مولانا با شمس تبریزی را به عنوان نقطه آغاز تحول درونی مولانا مطرح می‌کند و به معرفی مثنوی به عنوان جاودانه‌ترین اثر ادبی - اسلامی و درون‌مایه عرفانی آن می‌پردازد (بهجت، ۱۹۷۴: ۱۹۱-۱۸۰).

در سال ۱۹۷۶م، إحسان جعفر مقاله «جلال الدین الرومی الصوفی العاشق» را در شماره ۱۸۶ مجله الکاتب در ۳ صفحه به چاپ رساند. وی در این مقاله بعد از آن که از زندگی مولانا و چگونگی آشنایی وی با شمس تبریزی سخن می‌گوید، به مثنوی معنوی و محتوای آن و همچنین به اندیشه‌ها و آراء عارفانه مولوی اشاره می‌کند (جعفر، ۱۹۷۶: ۱۵۳-۱۵۰).

علاوه بر این، باید از مجله «المنتدی» که از سوی مرکز فرهنگی ایران در مصر و در سال ۱۹۷۸م منتشر شده و مقالاتی را درباره مولوی شامل است (بکار، ۲۰۰۰، ۳۲) و مجله «الفکر و الفن» که در سال ۱۹۷۳م شماره ۲۱ خود را ویژه‌نامه مولانا ساخته است، نام برد.

نبیل عبدالعزيز عید، استاد دانشگاه المستنصریه در سال ۱۴۱۰ق/۱۹۸۹م مقاله «أثر القرآن الکریم فی شعر جلال الدین الرومی من خلال الکتاب الأول من المثنوی» را در ۲۴ صفحه در شماره ۱۷

مجله آداب المستنصرية در بغداد به چاپ رساند وی در این مقاله با ذکر نمونه‌های بسیار به بررسی تاثیر قرآن بر مثنوی پرداخته است (نبیل، ۱۹۸۹: ۲۰۴-۱۸۱). وی پیش از این در سال ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م در شماره ۱۴ مجله مذکور، مقاله «فن الغزل و ما حرف له من تغيير و تطور من خلال شاعر الصوفية الأكبر جلال الدين الرومی» را در ۱۴ صفحه به چاپ رسانیده بود که در آن بعد از ذکر گزیده‌ای از زندگی مولانا، از پیدایش غزل و استقلال آن و جایگاه غزل نزد مولانا و نقش موسیقی، نماد و تصویر در دیوان شمس سخن می‌راند (نبیل، ۱۹۸۵: ۱۶۰-۱۴۷). همو در سال ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م در شماره ۱۵ همان مجله، مقاله «الله و الإنسان و العقل و القلب فی دیوان شمس تبریز لشاعر الصوفية الأكبر جلال الدين الرومی» را در ۱۴ صفحه به چاپ رساند (نبیل، ۱۹۸۶: ۳۱۶-۳۰۳).

در سال ۱۹۹۴م، مقاله‌ای با عنوان «جلال الدين الرومی» به قلم ندی علی حسون، پژوهشگر و مدرس سوری و دانش آموخته دکتری رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران، در مجله الآداب الأجنبية در دمشق منتشر شد. وی در این مقاله کوتاه به اختصار به معرفی شخصیت و آثار مولوی پرداخته است.

مقاله «شکوی الشکوی: تأملات فی قصيدة شکوی النای للشاعر جلال الدين الرومی فی ترجمتین حدیثین إلى العربية» به قلم العاکوب علاوه بر این که درباره ضرورت ترجمه و ابزار آن و دشواری ترجمه شعر به ویژه ترجمه شعر به شعر نکات بسیار جالبی را عرضه می‌دارد، به منظور تبیین دشواری ترجمه و آسیب‌هایی که ممکن است به اثر شعری وارد شود، به نقد و بررسی ترجمه منتشر محمد عبدالسلام کفافی و ترجمه منظوم محمد الفراتی از نی‌نامه مولانا می‌پردازد (العاکوب، ۱۹۹۹: ۴۹ - ۴۵). این مقاله از جمله مقالات راه یافته به همایش «العلاقات الأدبية و اللغوية العربية - الإيرانية» است که دانشگاه دمشق در سال ۱۹۹۹م با همکاری اتحاد الکتاب العرب و دانشگاه تهران برگزار کرد و در همان سال، اتحاد الکتاب العرب مجموعه مقالات پذیرش یافته را در ۳۸۰ صفحه منتشر ساخت.

اگر چه فعالیت‌های کرسی‌ها و پژوهشگران زبان و ادب فارسی در دانشگاه‌های عرب پراکنده بوده اما کوشش مستمر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان در چاپ و انتشار مجله «الدراسات الأدبية» ستودنی است. این مجله که سابقه آن به سال ۱۹۵۹م باز می‌گردد، با کوشش استاد ادب فارسی و عربی محمد محمدی پایه‌گذاری شده و به همت فرهیختگانی از جمله احمد لواسانی و

ویکتور ال‌کک و تلاش احسان قبول که از سال ۲۰۰۹م سردبیری مجله را به عهده گرفته، تاکنون به فعالیت علمی و ادبی خود ادامه داده و خدمات شایانی را به زبان و ادبیات فارسی و عربی ارائه کرده است (بکار، ۲۰۰۰: ۳۵-۳۴ و رفاهی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). این مجله در ضمن شماره‌های خود مقالاتی را درباره مولانا منتشر ساخته و شماره ۴۲-۴۱ خود را در سال ۲۰۰۳م به وی اختصاص داده است؛ از جمله مقالات این ویژه‌نامه می‌توان به مقاله یوسف بکار با عنوان «جلال‌الدین الرومی فی آثار الدراسین العرب» اشاره کرد که فهرستی را از ترجمه آثار مولوی و آثار چاپ شده وی به زبان عربی تا سال ۲۰۰۰م عرضه کرده است (بکار، ۲۰۰۳: ۱۷۷). مقالات «جلال‌الدین الرومی بین این عربی و محمد اقبال و ترجماته و دراساته فی اللغة العربیة» از محمد السباعی، «ظاهرة مولانا: خميرة التغير الإنسانی» از ویکتور ال‌کک، «الإنسان المثالی فی مثنوی مولانا» نوشته ندی علی حسون و «جلال‌الدین الرومی فی غزله العربی» از وحید بهمردی، استاد ادبیات عربی دانشگاه آمریکایی بیروت که در حاشیه به اختصار از کتاب‌ها و مقالاتی که در کشورهای عربی در شناساندن مولانا چاپ شده است سخن می‌راند، بخش عمده محتویات این ویژه‌نامه را شامل می‌شود که به حق، بیانگر اهتمام فرهیختگان عرب به مولوی‌شناسی است.

مقاله «کتاب جلال‌الدین الرومی و التصوف» نوشته أحمد الحسین از دیگر مقالات انتشار یافته در باب مولوی‌شناسی است که در سال ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م در شماره ۹۱ مجله التراث العربی به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله ۲۰ صفحه‌ای به بررسی و نقد کتاب «جلال‌الدین الرومی و التصوف» نوشته شرق‌شناس آلمانی آنه ماری شیمل و ترجمه عیسی العاکوب می‌پردازد (الحسین، ۲۰۰۳: ۲۰۷-۱۸۸). از جمله مقالات ندی علی حسون در باب مولوی‌پژوهی، مقاله‌ای با عنوان «أثر اللغة العربیة و آدابها فی مثنوی جلال‌الدین مولوی» است که در سال ۲۰۰۳م در شماره ۶۷ فصلنامه ایران و العرب به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله به بررسی تاثیر آیات قرآن کریم، حدیث نبوی و امثال و ابیات شاعران عرب بر مثنوی پرداخته است (علی حسون، ۲۰۰۳: ۱۸۷-۱۶۹).

هبة الله الغلابینی، مترجم و پژوهشگر سوری در سال ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م مقاله «جلال‌الدین الرومی شاعر الصوفیة الأكبر» را در ۱۴ صفحه در شماره ۵۲۴ مجله المعرفة - فصلنامه وزارت ارشاد ملی کشور سوریه - به چاپ رساند. وی در این مقاله گرانسنگ کوشیده است که تقریباً به تمامی وجوه

زندگی و آثار مولانا و ارزش محتوایی آن‌ها و مهمترین ویژگی شعری وی و آشنایی اش با شمس پردازد (الغلابینی، ۲۰۰۷: ۳۲۳-۳۱۰).

در سال ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م، مجله المعرفة در شماره ۵۲۳ خود، مقاله‌ای را تحت عنوان «جلال الدین الرومی» به چاپ رساند. علی القیم، نویسنده این مقاله هشت صفحه‌ای، بعد از نیم‌نگاهی به زندگی مولانا، از درون‌مایه مثنوی سخن می‌گوید؛ آن‌گاه داستان «بزرگان و طوطی» را ذکر می‌کند و سپس به مجالس مولویه و وجد و سماع عارفانه و چگونگی آن می‌پردازد (القیم، ۲۰۰۷: ۲۲-۱۵).

در سال ۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م، اولین همایش بین‌المللی ادبیات تطبیقی فارسی و عرب در بیروت برگزار شد و مجموعه مقالات برگزیده آن در شماره‌های ۶۹-۶۷ مجله الدراسات الأدبیه به چاپ رسید. یکی از مقالات برگزیده این مجموعه، مقاله «حوزه‌های پژوهش تطبیقی در مثنوی مولانا» نوشته احسان قبول، استاد اعزامی دانشگاه فردوسی مشهد به دانشگاه لبنان است. وی در این مقاله ۲۶ صفحه‌ای که به زبان فارسی ارائه شده است، با بررسی حوزه‌های پژوهش تطبیقی در دو مکتب فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی به تعیین و بررسی این حوزه‌ها در کتاب مثنوی مولانا و ارائه مثال‌هایی برای هر حوزه پرداخته است (قبول، ۲۰۰۹؛ ۳۴۲-۳۱۷).

مقاله «نار العشق فی جلال الدین الرومی» نوشته ألما المحمد، پژوهشگر و مولوی‌شناس سوری که در شماره ۲۳ مجله ثقافتنا للدراسات و البحوث در سال ۱۴۳۱ق/۲۰۱۰م به چاپ رسیده است، از دیگر مقالات در این زمینه محسوب می‌شود. نویسنده در این مقاله ۱۶ صفحه‌ای شرح نسبتاً مفصلی از نی‌نامه مولانا ارائه می‌دهد (المحمد، ۲۰۱۰؛ ۱۹۲-۱۷۷).

۶ - نتیجه

- در زمینه ترجمه آثار مولوی بیشترین رویکرد مولوی‌پژوهان عرب به ترجمه و شرح مثنوی مولوی بوده است. نخستین ترجمه کامل عربی مثنوی در سال ۱۸۷۲م صورت پذیرفته و تاکنون حدود شش برگردان عربی بدون شرح یا مشروح، کامل یا جزئی، از این کتاب گران‌سنگ منتشر شده است. مهمترین برگردان‌های عربی شناخته شده از دیوان غزلیات شمس، شامل سه گلچین از این غزلیات است که در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۲ و ۲۰۰۰م به قلم ابراهیم دسوقی شتا و عیسی علی العاکوب و محمد السعید جمال‌الدین در قاهره و دمشق منتشر شده اند. بدیهی است که حجم

گسترده دیوان شمس و زبان خاص و شورانگیزش آن را تا حد زیادی ترجمه‌ناپذیر ساخته است. چشمگیرترین کوشش‌های ترجمه نیز از نظر فراگیری آثار متنوع شعر و نثر مولوی به همت العاکوب استاد دانشگاه حلب انجام یافته شده است. به طور کلی باید گفت برگردان عربی آثار مولوی از آغاز تاکنون بی‌توقف ادامه یافته است.

- کتاب‌های مولوی پژوهان عرب درباره معرفی شخصیت و آثار مولوی شامل دو دسته است: آثار مشروح که غالباً به شکل تألیف و در موارد محدودی ترجمه آثار خاور شناسان غربی و شرقی است و کتاب‌هایی که ضمن بازشناساندن صوفیان و عارفان مسلمان و ایرانی، به صورت جنبی به معرفی شخصیت و آثار مولوی پرداخته است.

- سابقه نخستین مقالات مولوی‌شناسی در جهان عرب بیش از هفتاد سال است. روند کلی نشر مقالات پژوهشی در این زمینه - با توجه به رشد و توسعه فزاینده نشریات ادواری در جهان عرب - رو به افزایش بوده و نشر بیشترین مقالات عربی مولوی پژوهی طی دو دهه اخیر انجام یافته است. بسیاری از مقالاتی که درباره مولوی و افکار و آثارش به زبان عربی منتشر شده است، تنها به معرفی کوتاهی از وی به عنوان شاعری توانا با افکاری صوفیانه و عشقی بزرگ و الهی و صاحب آثاری پر حجم و بدیع پرداخته است. این پدیده نشان از آن دارد که از نظر مولوی‌پژوهان عرب، بسیاری از هم‌زمانان آنان با شخصیت فکری و ادبی مولوی آشنایی کافی ندارند. البته شماری از پژوهشگران عرب - نظیر نبیل عبدالعزيز عید استاد دانشگاه المستنصریه بغداد - به پژوهش دقیق در جنبه‌های مهمی از آثار مولوی همت گماشته‌اند. در یک نگاه فراگیر بیشتر آثار عربی مولوی پژوهی حاصل جستارهای دانشگاهیان مصری و سوری است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- إبلاغ، عنایت الله. (۱۹۷۲م). «جلال الدین الرومی»، منبر الإسلام، العدد ۴: ۲۲۳-۲۲۱.
- ۳- _____ . (۱۹۸۷). جلال الدین الرومی بین الصوفیة و علماء الکلام، القاهرة: دار المصریة اللبنانیة.
- ۴- الأعظمی، محمد حسن. (۱۹۸۸م). الأعلام الخمسة للشعر الإسلامی، بیروت: مؤسسة عزالدین.

- ۵- بارکس، کلماں. (۱۹۹۸ م). *ید الشعر: خمسة شعراء متصوفة من فارس محاضرات ألقاها عنایت خان، ترجمه عیسی علی العاکوب، دمشق: دار الفکر.*
- ۶- بکار، یوسف حسین. (۲۰۰۰ م). *نحن و تراث فارس، دمشق: منشورات المستشاریه الثقافیه للجمهوریة الإسلامیة الإیرانیة.*
- ۷- _____ . (۲۰۰۳ م). «جلال الدین الرومی فی آثار الدارسین العرب»، *الدراسات الادبیة، العدد ۴۲-۴۱.*
- ۸- بهجت، أحمد. (۱۹۷۴ م). «مثنوی جلال الدین الرومی»، *منبر الإسلام، العدد ۷: ۱۹۰-۱۸۰.*
- ۹- ترکستانی، عبدالعزیز جنکیزخان. (۱۹۴۰ م). «مولانا جلال الدین الرومی فی میزان التاریخ و العقیده» *الثقافة، ش ۱۶۰: ۲۷-۲۵.*
- ۱۰- جعفر، إحسان. (۱۹۷۶ م). «جلال الدین الرومی الصوفی العاشق»، *الکاتب، العدد ۱۸۶: ۱۵۳-۱۵۰.*
- ۱۱- جمال الدین، محمد السعید. (۱۹۹۸ م). *أعلام الشعر الفارسی فی عصور الازدهار: دراسات و نصوص. بی جا: دار الهدایة.*
- ۱۲- _____ . (۲۰۰۸ م). *قصائد مختارة من دیوان شمس تبریز لجلال الدین الرومی، القاهرة: مكتبة الأسره.*
- ۱۳- الحسین، أحمد. (۲۰۰۳ م). «کتاب جلال الدین الرومی و التصوف»، *التراث العربی، العدد ۹۱: ۲۰۷-۱۸۸.*
- ۱۴- خلف الله، محمد. (۱۹۳۹ م). «جلال الدین الرومی»، *الثقافة، العدد ۱۵۱: ۱۴-۱۰.*
- ۱۵- رفاهی، خلیل. (۱۳۹۱). *گردش ایام، اصفهان: مانی.*
- ۱۶- الرومی، جلال الدین. (۱۹۶۶ م). *مثنوی جلال الدین الرومی شاعر الصوفیة الأكبر، ترجمة و شرح محمد عبدالسلام کفافی، بیروت: المكتبة العصرية.*
- ۱۷- _____ . (۱۹۹۸ م). *رباعیات مولانا جلال الدین الرومی، ترجمة محمد عید ابراهیم، القاهرة: دار الأحمدي.*

- ١٨- _____ . (٢٠٠١ م). كتاب فيه ما فيه: أحاديث مولانا جلال الدين الرومي، شاعر س الأكبر، ترجمه عيسى على العاكوب، دمشق: دار الفكر.
- ١٩- _____ . (٢٠٠٤ م). رباعيات مولانا جلال الدين الرومي، ترجمه عيسى على العاكوب، دمشق: دار الفكر.
- ٢٠- _____ . (٢٠٠٤ م). المجالس السبعة: آفاق جديدة و رائعة في الرمزية الآلامية، ترجمه عيسى على العاكوب، دمشق: دار الفكر.
- ٢١- السباعي، علاء الدين عبدالعزيز. (٢٠١٠ م). مختارات من قصائد مولانا جلال الدين الرومي و غزلياته، القاهرة: المركز القومي للترجمة.
- ٢٢- السباعي، محمد السباعي. (٢٠٠٥ م). عبدالوهاب عزام رائدا و مفكرا، القاهرة، الدار المصرية اللبنانية.
- ٢٣- شعلان، الصاوي على. (١٩٦٦م). «مختارات من كتاب المثنوى لإمام المتصوفة جلال الدين الرومي»، منبر الإسلام، العدد ٨: ٦٣-٥٨.
- ٢٤- شميل، أنه ماري. (٢٠٠٠ م). الشمس المنتصرة: دراسة آثار الشاعر الإسلامي الكبير، جلال الدين الرومي، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي ايران.
- ٢٥- _____ . (٢٠٠٦ م). الأبعاد الصوفية في الإسلام وتاريخ التصوف، ترجمه محمد اسماعيل السيد و رضا حامد قطب، بغداد: منشورات الجمل.
- ٢٦- _____ . (١٣٧٥). شكوه شمس، ترجمه حسن لاهوتي، تهران: علمي و فرهنگي.
- ٢٧- صاحب الجواهر، عبدالعزيز. (١٩٥٨م). جواهر الآثار في ترجمة مثنوى مولانا خدائونديگار محمد جلال الدين البلخي الرومي، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ٢٨- طلعت، أبو فرحة. (١٩٧٥م). أضواء على الدراسات الفارسية في مصر، القاهرة: دار الثقافة للطباعة و النشر.

- ۲۹- العاكوب، عيسى على. (۱۹۹۹م). «شكوى الشكوى: تأملات فى قصيدة شكوى الناي للشاعر جلال الدين الرومى فى ترجمتين حديثين إلى العربية»، أبحاث ندوة: العلاقات الادبية و اللغوية العربية- الآيرانية: ۶۶-۴۵. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- ۳۰- عبدالحافظ، عبدالموجود. (۱۹۴۶ م). «دراسات تحليلية: جلال الدين الرومى»، الرسالة، العدد ۷۹۵: ۱۰۹۷-۱۰۹۵.
- ۳۱- عبدالعزيز، سعد. (۱۹۷۴ م). «فلسفة العالم: جلال الدين الرومى»، الجديد، العدد ۵۷: ۵۹-۵۸.
- ۳۲- العقاد، عامر. (۱۹۶۲ م). «صوفى شاعر و شاعر صوفى: لحظات مع صاحب المثنوى»، منبر الإسلام، العدد ۱: ۱۲۹-۱۲۷.
- ۳۳- على حسون، ندى. (۲۰۰۳ م). «أثر اللغة العربية وأدبها فى مثنوى جلال الدين مولوى»، فصلية العرب و إيران، العدد ۷-۶: ۱۸۷-۱۶۹.
- ۳۴- على، سعيد. (۱۹۶۶ م). «مثنوى جلال الدين الرومى شاعر الصوفية الأكبر»، الدراسات الادبية، ش ۳۰-۲۹: ۱۶۳-۱۶۱.
- ۳۵- غالب، مصطفى. (۱۹۸۲ م). جلال الدين الرومى، بيروت: مؤسسة عز الدين.
- ۳۶- الغلابي، هبة الله. (۲۰۰۷ م). «جلال الدين الرومى شاعر الصوفية الأكبر»، المعرفة، العدد ۵۲۴: ۳۲۳-۳۱۰.
- ۳۷- الغنيمي التفتازانى، أبو الوفاء. (۱۹۷۹ م). مدخل إلى التصوف الإسلامى، القاهرة: دار الثقافة للنشر و التوزيع.
- ۳۸- قبول، احسان، (۲۰۰۹ م). «حوزه‌های پژوهش تطبیقی در مثنوی مولانا»، الدراسات الادبية، العدد ۶۹-۶۷: ۳۴۲-۳۱۷.
- ۳۹- قنديل، إسعاد عبدالهوى. (۱۹۸۱ م). فنون الشعر الفارسى، بيروت: دار الأندلس.
- ۴۰- القيم، على. (۲۰۰۷ م). «جلال الدين الرومى»، المعرفة، العدد ۵۲۳: ۲۲-۱۵.
- ۴۱- كفافى، محمد عبدالسلام. (۱۹۷۱ م). جلال الدين الرومى: فى حياته و شعره، بيروت: دار النهضة العربية.

- ٤٢- ----- (١٩٧١ م). **فى الأدب المقارن: دراسات فى نظرية الأدب و الشعر القصصى**، بيروت: دار النهضة العربية.
- ٤٣- **مجلة الدراسات الأدبية** . (٢٠٠٣م). بيروت: العدد ٤٢ و ٤١
- ٤٤- محفوظ، حسين على. (١٩٦٤ م). «المولوى أكبر صوفية الإسلام»، الأعلام، العدد ٩: ٧٨-٧٤.
- ٤٥- المحمد، ألما. (٢٠١٠ م). «نار العشق فى جلال الدين الرومى»، ثقافتنا للدراسات و البحوث، العدد ٢٣: ١٩٢-١٧٧.
- ٤٦- ملحس، لطفى. (١٩٦٦ م). «جلال الدين الرومى: أعظم شاعر صوفى عرفه العالم»، الوعى الإسلامى، العدد ٣٥: ٧٢-٦٨.
- ٤٧- ميروويش، اوا دو ويتره. (٢٠٠٠ م). **جلال الدين الرومى و التصوف**، ترجمة عيسى على العاكوب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
- ٤٨- نبيل، عبدالعزيز عيد. (١٩٨٥ م). «فن الغزل و ما حرف له من تغيير و تطور من خلال شاعر الصوفية الأكبر جلال الدين الرومى»، آداب المستنصرية، العدد ١٤: ١٦٠-١٤٧.
- ٤٨- ----- . (١٩٨٦ م). «الله و الإنسان و العقل و القلب فى ديوان شمس تبريز لشاعر الصوفية الأكبر جلال الدين الرومى»، آداب المستنصرية، العدد ١٥: ٣٠٣-٣١.
- ٤٩- ----- . (١٩٨٩ م). «أثر القرآن الكريم فى شعر جلال الدين الرومى من خلال الكتاب الأول من المثنوى»، آداب المستنصرية، العدد ١٧: ٢٠٤-١٨١.
- ٥٠- الهاشمى، سيد محمد جمال. (١٩٩٥ م). **حكايات و عبر من المثنوى**، بيروت: دار الحق.
- ٥١- الهاشمى، محمد يحيى. (١٩٦٠ م). «جلال الدين الرومى من خلال خلاصة مثنوى للأستاذ بديع الزمان فروزانفر»، الدراسات الادبية، العدد ٣: ٣٦٦-٣٥٩.
- ٥٢- هلال، محمد غنيمى. (١٩٦٥ م). «جلال الدين الرومى»، رسالة الإسلام، العدد ٥٧: ٩٥-٨٩.
- 53- <http://www.goodreads.com/author/show/5625010>، (٢٠١٠/١١/٢٤)
- 54- <http://www.neelwafurat.com/itempage.aspx?id=lbb22251-20791&search=books>